

این روح مصور اسم مبارکش میرزا آقا

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



این روح مصور اسم مبارکش میرزا آقا... حضرت عبدالبهاء، محاضرات جلد ۱ صفحه ۲۸

جناب منیب علیه بهاء الله الابهی

این روح مصور اسم مبارکش میرزا آقا و از اهل کاشان بود در ایام حضرت اعلی منجذب بنفحات الله شد و مشتعل بنار محبت الله جوانی بود بی نهایت پرازنده و زیننده و در غایت صباحت و ملاحظت خطاط بی مثیلی بود و طبعی روان داشت و الحانی بدیع زیرک و دانا بود ثابت و مستقیم بر امر الله شعله نار محبت الله بود و منقطع از ماسوی الله در ایامیکه جمال مبارک روحی لاحیاته القدا در عراق تشریف داشتند از کاشان مفارقت نمود و بساحت اقدس شتافت در خانه حقیری منزل نمود و بنهایت عسرت معیشت میکرد و بتقریر آیات و کلمات الهی مشغول بود و در جبین موهبت نور مبین واضح و آشکار داشت و بخدمت امر الله مشغول بود در این عالم فانی جز یک دختر چیز دیگر نداشت و آنرا نیز در ایران گذاشت و بدار السلام بغداد شتافت و چون موکب جمال مبارک در نهایت عزت و حشمت از بغداد باسلامبول حرکت نمود پیاده در رکاب مبارک بود این جوان در مدت حیات در ایران به نهایت رفاهیت و خوشگذرانی معروف و بنازکی و ازادگی موصوف - دیگر معلوم است چنین جسم لطیفی پیاده از بغداد تا به اسلامبول چه مشقتی تحمل نمود ولی در نهایت روح و ریحان بادیه می پیود شب و روز بتضرع و ابتهاج و مناجات مشغول و این عبد را مونس دل و جان بود حتی بعضی شبها در یمن و یسار رکاب مبارک میرفتیم و بحالتی بودیم که از وصف خارج است در بعضی از شبها غزلی میخواند از جمله غزلهای

"بیا تا گل بر افشانیم و می در ساغر اندازیم. و همچنین غزل گرچه ما بندگان پادشهم پادشاهان ملک صبحگیم رنگ تزویر پیش ما نبود شیر سرخیم وافعی سیمیم باری در اسلامبول در وقت سفر بارض سر جمال مبارک روحی لاحیاته القدا حضرت منیب را مرخص فرمودند که رجوع بایران - نمایند و بتبلیغ مشغول گردند لهذا مراجعت بایران نمود و مدتی در ایران علی الخصوص در طهران بخدمات فائمه مشغول بود تا آنکه دوباره از ایران بارض سرآمد و بساحت اقدس مشرف گشت و مدتی در آنجا بشرف لقا فائز بود و در بلیه کبری یعنی نفی بعکا ضعیف و علیل در رکاب حضرت رب جلیل در این سبیل اسیر گشت ولی بسیار ناتوان بود زیرا بمرض شدید مبتلا با وجود این راضی نشد که در ادرنه بماند و بمعالجه پردازد بلکه آرزوی آن داشت که در اقدام جمال مبارک جانفشانی نماید آمدم تا بدریا رسیدیم از شدت ضعف سه نفر او را بلند نمودند تا آنکه بکشتی رساندند در کشتی مرض شدت یافت بدرجه که قاپیتان کشتی اصرار در اخراج نمود ولی بسبب الحاح ما تا از میر صبر نمود در از میر قاپیتان بمامور دولت میرآلای عمر پیگ که بهماهی ما بود گفت "اگر او را برون نبرید من جبراً برون کنم زیرا کشتی مریض قبول نکند لهذا مجبور شدیم که ایشانرا بخرسته خانه از میر بریم با آن حالت ضعف که توانائی حرف نداشت خود را کشان کشان بقدم مبارک رسانید بر پای مبارک افتاد و گریه بسیار کرد و از وجه جمال مبارک نیز شدت احزان ظاهر و آشکار شد بعد ایشانرا بخرسته خانه از میر بردیم ولی گماشتگان ما را بیش از یکساعت مهلت ندادند آن وجود مبارک را در خرسته خانه در بستر گذاشتیم و سر مبارک بر بالین نهادیم و از سر تا پا بوسیدیم بعد ستمگاران اجبار بر مراجعت نمودند دیگر معلوم است چه حالتی دست داد که هر وقت بخاطر



ORIGINAL

میآید با چشمی گریان و قلبی سوزان ذکر اطوار و احوال آن بزرگوار مینمائیم بی نهایت فطین و متین و رزین بود در ایمان و ایقان بی نظیر زیرا کمالات معنویه با کمالات صوریه در شخص ایشان جمع شده بود لهذا الطاف بی پایان بود قبر منورش در ازبیر است ولی مهجور هر وقت ممکن گردد باید احبای الهی تجسس و تحری نمایند و آن قبر مهجور را بیت معمور کنند تا زائرین را مشام برآنچه طیبیه آن جدث مطهر معطر گردد. انتهى